

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کوہستان شیخ

«دارن شان» ترجمہ سودہ کریمی



www.ketab.ir



Shan, Darren

شان، دارن

قصه‌های سرزمین اشباح / دارن شان: ترجمه سوده کریمی؛ ویراستار فرزانه کریمی. - تهران: قدیانی، کتاب‌های بنفشه، ۱۳۸۲-.

ISBN 978-964-417-614-2 (دوره)

ISBN 978-964-417-612-8

ISBN 978-964-417-613-5

ISBN 978-964-417-674-6

ISBN 978-964-417-675-3

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

The saga of Darren Shan

عنوان اصلی:

مندرجات: ج. ۱. سیرک عجایب. -- ج. ۲. دستیار یک شیخ. --

ج. ۳. دخمه خونین. -- ج. ۴. کوهستان شیخ. --

۱. داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م. الف. کریمی، سوده، ۱۳۵۷. --

مترجم. ب. عنوان.

۸۲۳/۹۱۴ [ج]

۵دق ۲۵ش/۷ PZ

ق ۲۱۷

۱۳۸۲

۱۳۸۲

م ۸۱-۲۸۲۵۷

کتابخانه ملی ایران



موسسه انتشارات قدیانی

www.godiyani.org

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۴۱۰ (خط ۵) | دورنگار: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۲۶۲

کوهستان شیخ

قصه‌های سرزمین اشباح - ۴

دارن شان مترجم: سوده کریمی

ویراستار: فرزانه کریمی

طراحی اونیفورم، اجرای جلد و سرفصل‌ها: بهزاد غریب‌پور

آماده‌سازی: بخش هنری و فنی

زیر نظر شورای بررسی

چاپ یازدهم: ۱۳۹۶ | تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۲ - ۶۷۵ - ۴۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۱۷ - ۶۱۴ - ۲

شابک دوره: ۲ - ۶۱۴ - ۴۱۷ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۱۷ - ۶۱۴ - ۲

کد: ۸۲/۷۲۱

چاپ و صحافی: چاپخانه قدیانی، تهران

کلیه حقوق محفوظ است.

۱۷۵۰۰ تومان

پیشگفتار

نزدیک صبح بود. اسی کرپسلی به طرف تابوتش می‌رفت تا بخوابد. به من گفت: «وسایلت را جمع کن. فردا به کرهستان اشباح می‌رویم.» این عادت آقای کرپسلی بود که برناش را به‌طور ناگهانی خبر بدهد. هیچ‌وقت هم دوست نداشت که در تصمیم‌گیری‌هایش با من مشورت کند. اما این دفعه قضیه فرق می‌کرد؛ حتی برای خودش. دنبالش راه افتادم و با صدایی لرزان گفتم: «کرهستان اشباح؟ برای چی به آنجا می‌رویم؟»

گفت: «برای اینکه تو را به شورا معرفی کنم. فکر می‌کنم دیگه وقتش رسیده است.»

پرسیدم: «شورای ژنرال‌های اشباح؟ چرا باید آنجا برویم؟ چرا حالا؟»
گفت: «می‌رویم، چون حالا مناسب است و همین حالا می‌رویم، چون این شورا هر دوازده سال، فقط یک نشست دارد و اگر امسال در نشست آنها شرکت نکنیم، مدت زیادی را باید منتظر بمانیم.»

این تمام چیزی بود که او به من گفت. بعد هم انگار کر شد و دیگر حرف‌های مرا نشنید. فقط توی تابوتش رفت تا قبل از طلوع آفتاب بخوابد، و

من ماندم و کلی نگرانی!



اسم من دارن شان است. من یک نیمه شیخ هستم. تا هشت سال پیش یا نمی دانم شاید بیشتر، من هم یک آدم معمولی بودم. اما سرنوشت مرا بر سر راه آقای کریسلی قرار داد و بدون آنکه بخواهم، دستیار او شدم. برای آنکه با زندگی شبکی و ویژگی های خاص آن سازگار شوم، دوره سختی را گذراندم؛ به خصوص تهیه خون انسان، که نیاز همیشگی من شده بود، خیلی سخت بود. اما بالاخره خودم را با اوضاع وفق دادم، همه چیز را قبول کردم و زنی جدیدم شروع شد.

از اعضای یک سیرک بودیم. سیرک سیار ما چند بازیگر داشت و فردی به نام هریو تال آن را اداره می کرد. ما دور دنیا می گشتیم و نمایش اجرا می کردیم و تماشایی ها هم توانایی های عجیب و خارق العاده ما را تحسین می کردند.

شش سال پیش، من و آقای کریسلی از سیرک عجایب جدا شدیم و به دنبال شیخ واره ای به نام مرلو رژیم که در شهر محل تولد آقای کریسلی دست به شراکت می زد. ما می خواستیم به کماهای وحشتناک او را بگیریم. شیخ واره ها دسته ای شیخ بودند که بعد از یکین خون انسان ها، آنها را می کشتند. اشباح معمولی این کار را نمی کنند. ما اعضای از خون انسان ها را می گیریم و بعد آنها را به حال خودشان می گذاریم. به طوری که بعد از مدت کمی، حالشان خوب می شود. در واقع، بیشتر چیزها روح شناکی که شما درباره اشباح در کتاب ها می خوانید یا در فیلم ها می بینید. شیخ واره ها مربوط می شود.

شش سال پیش، من هم یکی از بازیگران سیرک شده بودم. من با خانم اکتا - عنکبوت سمی آقای کریسلی - روی صحنه می رفتم و نمایش اجرا می کردم. تازه، چند تا حقه هم یاد گرفته بودم که در نمایش های ویژه اجرا می کردم. با همه اعضای سیرک هم آشنا شده بودم. دیگر از طرز زندگی آنها

تعجب نمی‌کردم، به آنها عادت کرده بودم و از زندگی با آنها لذت می‌بردم. خلاصه، شش سال گذشته، دوره خوبی برای من بود.

اما حالا، بعد از شش سال آرامش، دوباره باید به جای جدیدی می‌رفتیم. درباره شورای ژنرال‌ها و کوهستان اشباح چیزهایی می‌دانستم. در واقع، آنها قوانین مربوط به زندگی اشباح را تعیین می‌کنند و همیشه مراقب‌اند که این قوانین درست اجرا شوند. آنها اشباح شرور و دیوانه را می‌کشند. آتی که پسلی هم سال‌ها پیش یک ژنرال بوده؛ ولی به دلایلی، که هیچ‌وقت برای من فاش نکرد، این مقام را کنار گذاشته است.

ژنرال‌ها هر چند وقت یک بار - البته حالا دیگر می‌دانم، هر دوازده سال یک بار - در جمع می‌شوند و درباره موجودات خونخوار زیر نظرشان بحث می‌کنند و بر همه گزارش‌ها ملاحظه می‌دهند. این شورا فقط ویژه ژنرال‌ها نیست؛ بقیه اشباح هم می‌توانند در آن شرکت کنند. ولی بیشتر شرکت‌کنندگان آن، ژنرال‌ها هستند. می‌دانستم قلعه آنها کجاست و ما باید چطور به آنجا برویم یا اصلاً چرا باید به آنجا برویم. اما می‌خواستیم همه اینها را بفهمیم!